

The Burden of Proof in Media Responses to Qur'anic and Theological Doubts: A Qur'an- and Hadith-Based Study

Seyyed Mostafa Mosavi^{*} / Mohammad Jafari^{**}

Recived Date: 2026/07/23

Accepted Date: 2026/09/17

Abstract

This study addresses the following question: in media responses to Qur'anic and theological doubts, who bears the responsibility for providing evidence, and under what circumstances does that responsibility shift from one party to another? The issue is especially significant in media contexts, where omission of sources, selective quotation, and time constraints may alter the original form of a claim. Using a descriptive-analytical method, the study examines Qur'anic verses, hadith reports, and Imami exegetical works, and reconstructs common patterns encountered in media monitoring and responses to religious doubts. The findings identify three forms of responsibility: the "initial burden," borne by the person who advances a religious claim; the "objection burden," borne by the person who raises an objection or allegation; and the "explanatory burden," which, once the minimum necessary evidence has been presented, falls on the specialist respondent. At every stage, the media must preserve the source, context, scope of the claim, and the possibility of correcting errors. If a party fails to provide sufficient evidence for a claim, the warranted response is only to withhold acceptance of that claim; its falsity cannot be inferred solely from that failure. On this basis, the study proposes a five-stage model: clarification of the claim, identification of the type of statement, determination of the party responsible for providing evidence, examination and evaluation of the evidence, and delivery of a proportionate response.

Keywords: *doubt studies; burden of proof; religious media; Qur'anic doubts; theological doubts; Qur'an and Hadith; responding to doubts.*

DOI: <https://doi.org/10.22034/ssr.2026.254616>

^{*} PhD Student in Theological Schools of Thought, University of Religions and Denominations (Corresponding Author) (sey3d.m@gmail.com).

^{**} Associate Professor at "the Theology and Philosophy of Religion Department" of Imam Khomeini Education & Research Institute (mjafari125@yahoo.com).

نصف سنوية علمية محكمة
مطالعات شبهه پژوهی
السنة الرابعة، الرقم الثامن، الربيع و الصيف ١٤٤٨ق

عبء الإثبات في الاستجابة الإعلامية للشبهات القرآنية والعقدية في ضوء القرآن والحديث

سيد مصطفى موسى* / محمد جعفری**

القبول: ١٤٤٨/٠٤/٠٥

الإستلام: ١٤٤٨/٠٢/٠٨

الملخص

يسعى هذا البحث إلى الإجابة عن السؤال الآتي: في التعامل الإعلامي مع الشبهات القرآنية والعقدية، على من يقع عبء تقديم الدليل، ومتى ينتقل هذا العبء من طرف إلى آخر؟ وتكتسب هذه المسألة أهمية أكبر في البيئة الإعلامية؛ لأن حذف المصدر، واجتزاء النصوص من سياقاتها، وضيق الوقت، قد يغيّر الصورة الأصلية للادعاء. وقد اعتمد البحث المنهج الوصفي - التحليلي، فدرس الآيات والروايات وتفسير الإمامية، وأعاد بناء نماذج شائعة في الرصد الإعلامي ومجال الإجابة عن الشبهات. وتكشف النتائج عن ثلاثة أنواع من المسؤولية: «العبء التأسيسي» ويقع على من يطرح دعوى دينية؛ و«العبء الاعتراضي» ويقع على من يثير إشكالاً أو اتهاماً؛ و«العبء التبييني» الذي ينتقل، بعد تقديم الحد الأدنى اللازم من الشواهد، إلى عاتق المجيب المتخصص. كما يجب على الوسيلة الإعلامية، في جميع هذه المراحل، أن تحافظ على المصدر والسياق وحدود الادعاء وإمكان تصحيح الخطأ. وإذا عجز أحد الأطراف عن تقديم دليل كافٍ على دعواه، فلا يترتب على ذلك إلا الامتناع عن قبولها، ولا يصح استنتاج بطلانها لمجرد هذا العجز. وبناءً على ذلك، يقترح البحث نموذجاً خماسي المراحل يتكون من: «توضيح الادعاء، وتحديد نوع القول، وتعيين المسؤول عن تقديم الدليل، وفحص الدليل وتقويمه، وتقديم الجواب المناسب».

الكلمات المفتاحية: دراسة الشبهات؛ عبء الإثبات؛ الإعلام الديني؛ الشبهات القرآنية؛ الشبهات العقدية؛ القرآن والحديث؛ الإجابة عن الشبهات.

DOI: <https://doi.org/10.22034/ssr.2026.254616>

* طالب دكتوراه في تخصص المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب (المؤلف المسؤول)
(sey3d.m@gmail.com).

** أستاذ مشارك في قسم علم الكلام وفلسفة الدين، مؤسسة الإمام الخميني (ع) التعليمي والبحثي
(mjafari125@yahoo.com).

بار اثبات در پاسخ‌گویی رسانه‌ای به شبهات قرآنی و اعتقادی با تکیه بر قرآن و حدیث

سید مصطفی موسوی* / محمد جعفری**

تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

چکیده

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که در برخورد رسانه‌ای با شبهات قرآنی و اعتقادی، ارائه دلیل برعهده چه کسی است و این مسئولیت چه زمانی جابه‌جا می‌شود. این مسئله در رسانه اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا حذف منبع، تقطیع و محدودیت زمان می‌تواند صورت اصلی ادعا را تغییر دهد. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، آیات، روایات و تفاسیر امامیه را بررسی کرده و نمونه‌های رایج در رصد و پاسخ‌گویی رسانه‌ای را بازسازی کرده است. یافته‌ها سه نوع مسئولیت را نشان می‌دهد: «بار تأسیسی» برعهده کسی است که گزاره‌ای دینی را مطرح می‌کند، «بار اعتراضی» برعهده کسی است که اشکال یا اتهامی را پیش می‌کشد و «بار تبیینی» پس از ارائه حداقل شواهد لازم، برعهده پاسخ‌گوی متخصص قرار می‌گیرد. رسانه نیز در همه این مراحل باید منبع، سیاق، حدود ادعا و امکان اصلاح خطا را حفظ کند. اگر یک طرف برای ادعای خود دلیل کافی نیاورد، فقط می‌توان از پذیرفتن آن خودداری کرد و نمی‌توان صرفاً از این ناتوانی، نادرستی ادعا را نتیجه گرفت. بر این اساس، الگوی پنج مرحله‌ای «روشن‌سازی ادعا، تشخیص نوع سخن، تعیین مسئول ارائه دلیل، بررسی و ارزیابی دلیل و پاسخ متناسب» پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: شبهه‌پژوهی، بار اثبات، رسانه دینی، شبهات قرآنی، شبهات اعتقادی، قرآن و حدیث، پاسخ‌گویی.

مقدمه

پاسخ به شبهه دینی فقط یافتن یک جواب آماده نیست. پیش از پاسخ باید روشن شود ادعا چیست، چه کسی باید برای آن دلیل بیاورد و چه مقدار شاهد برای ورود پاسخ‌گو کافی است. این مسئله در رسانه دشوارتر می‌شود؛ زیرا تیتراژ، تصویر، تقطیع، زمان محدود برنامه و بازنشر در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند معنای سخن را تغییر دهد. گاه شبهه‌گر با جمله‌ای کلی مانند «دین با علم ناسازگار است» انتظار دارد پاسخ‌گو از مجموعه باورهای دینی به‌طور یکجا دفاع کند. گاه نیز قطعه‌ای کوتاه و بی‌منبع منتشر می‌شود و از مدافع می‌خواهند آن را بی‌درنگ رد کنند. در سوی دیگر، پاسخ‌گو ممکن است با جمله «مدعی باید دلیل بیاورد» از توضیح آموزه‌ای که خود مطرح کرده است خودداری کند. در این حالت، قاعده بار اثبات به‌جای تنظیم گفت‌وگو، به‌وسيله‌ای برای کنار زدن طرف مقابل تبدیل می‌شود.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که برپایه منابع قرآنی و حدیثی، مسئولیت ارائه دلیل در فرایند پاسخ‌گویی رسانه‌ای چگونه توزیع می‌شود و در چه شرایطی از یک کنشگر به کنشگر دیگر انتقال می‌یابد؟ پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: تفاوت بار اثبات در «پرسش»، «شبهه» و «اتهام» چیست؟ رسانه در مقام تولید، میزبانی یا بازنشر چه مسئولیتی در حفظ قابلیت ارزیابی ادعا دارد؟ آستانه‌ای که پس از آن پاسخ‌گو مکلف به ورود تفصیلی می‌شود از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟ فرضیه تحقیق آن است که منابع دینی، مسئولیت را تابع نوع دعوا، مرحله گفت‌وگو و شواهد بالفعل قرار می‌دهند و اقتضائات رسانه، مسئولیت تکمیلی «بازنمایی امانت‌دارانه» را بر تولیدکننده و بازنشرکننده می‌افزاید.

در پیشینه این پژوهش، برنجکار اصولی مانند فهم دقیق شبهه، تفکیک ابعاد آن، توجه به مبانی و تناسب پاسخ را در قالب روش‌شناسی عمومی پاسخ‌گویی تبیین کرده است (برنجکار، ۱۴۰۱، ص ۵-۲۹). افقی و برنجکار نیز شاخص‌های پاسخ موفق در قرآن را بررسی کرده‌اند (افقی و برنجکار، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۱۰۲) و پورنوروز، جلالی اصل و هاشمی جزئی الگویی کلان برای پاسخ‌گویی سنجیده ارائه داده‌اند (پورنوروز و دیگران، ۱۴۰۴، ص ۷۷-۱۰۴). در حوزه رسانه، بهمنی و علیزاده عوامل باورپذیری شبهه و راه‌های مقابله با آن را تحلیل کرده‌اند (بهمنی و علیزاده، ۱۴۰۴، ص ۲۰۱-۲۲۸) و شفیعی سروستانی بر الزامات اخلاقی پاسخ‌گویی رسانه‌ای تمرکز کرده است (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۴، ص ۴۶-۵۹). این آثار مبانی لازم را فراهم کرده‌اند، اما نشان نداده‌اند که در زنجیره‌ای شامل تولید ادعا، اجرای زنده، تقطیع و بازنشر، مسئولیت ارائه دلیل و حفظ سیاق دقیقاً برعهده چه کسی است. نوآوری این پژوهش، تفکیک سه نوع مسئولیت محتوایی

و یک مسئولیت رسانه‌ای و تنظیم آن‌ها در قالب الگویی مرحله‌ای است. ازاین‌رو، مقاله به جای پاسخ به یک شبهه خاص، روش تشخیص مسئولیت طرفین در مجموعه‌ای از شبهات قرآنی و اعتقادی را بررسی می‌کند.

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. ابتدا مفاهیم از منابع لغوی و نوشته‌های مربوط به استدلال استخراج شده است. سپس آیات مربوط به مطالبه برهان، پرهیز از پیروی بدون علم، بررسی خبر و مسئولیت عالمان، همراه با تفاسیر امامیه بررسی شده‌اند. در بخش حدیثی نیز روایات باب «نهی از گفتار بدون علم»، سنجش حدیث و قاعده «دلیل برعهده مدعی است» تحلیل شده‌اند. برای نشان دادن کاربرد بحث، موقعیت‌های رایج برپایه تجربه حرفه‌ای نویسندگان رصد رسانه‌های معارض، برنامه‌های زنده پرسش و پاسخ و تولید محتوا در چند رسانه بازسازی شده‌اند. نام رسانه‌ها و اشخاص حذف شده و این نمونه‌ها داده آماری به‌شمار نمی‌آیند. هدف، توضیح مسئولیت هر طرف در محیط رسانه است؛ نه تعمیم مستقیم یک قاعده قضایی به همه گفت‌وگوهای اعتقادی.

۱. مفاهیم پایه

۱-۱. تفاوت پرسش، شبهه و اتهام

ابن فارس ریشه «شبه» را دالّ بر همانندی و هم‌شکلی می‌داند و امور مشتبه را اموری معرفی می‌کند که به سبب شباهت، دشوار و پوشیده می‌شوند: «الشَّيْنُ وَالْبَاءُ وَالْهَاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى تَشَابُهٍ الشَّيْءِ وَتَشَاكُلِهِ؛ این ریشه بر شبیه شدن و هم‌صورت شدن چیزی با چیز دیگر دلالت دارد» (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۲۴۳). تهمانوی نیز در کاربرد اصطلاحی، شبهه را چیزی می‌خواند که شبیه امر ثابت است، بی‌آن‌که ثبوت آن احراز شده باشد: «مَا يُشْبِهُ الثَّابِتَ وَلَيْسَ بِثَابِتٍ؛ آنچه ظاهری همانند امر ثابت دارد، اما ثابت نیست» (تهمانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۱۰۲۷). از این دو بیان می‌توان دریافت که شبهه صرفِ ندانستن نیست؛ صورت یا قرینه‌ای دارد که میان حق و باطل اشتباه ایجاد می‌کند.

برای توزیع بار اثبات، سه کنش گفتاری باید از هم جدا شود. «پرسش تفهمی» درخواست فهم است و لزوماً ادعایی علیه دین در خود ندارد؛ پرسش‌گر برای اصلِ درخواست فهم ملزم به دلیل نیست. «شبهه» در معنای روشی، اشکالی است که دست‌کم یک ناسازگاری، شاهد نقض یا تبیین رقیب را پیشنهاد می‌کند؛ بنابراین، طراح شبهه باید صورت اشکال و منشأ آن را روشن سازد.

«اتهام» نسبت مشخص دروغ، تحریف، خشونت، اقتباس یا فساد به متن، شخصیت یا نهاد دینی است و چون ادعایی ایجابی و معمولاً پرهزینه برای حیثیت اشخاص و باورهاست، به استناد قوی‌تری نیاز دارد. یک جمله ممکن است در ظاهر پرسشی باشد، اما در واقع اتهامی را پیش‌فرض بگیرد؛ مانند «چرا قرآن فلان مطلب را از منبع پیشین گرفته است؟». پیش از پاسخ به «چرا»، باید صدقِ اصل «گرفته است» بررسی شود.

۲-۱. تعریف بار اثبات

در این مقاله، بار اثبات یعنی مسئولیت موقت یکی از طرف‌های گفت‌وگو برای ارائه دلیل یا توضیح لازم. این مسئولیت تعیین نمی‌کند که کدام گزاره در واقع درست است. ممکن است گزاره‌ای درست باشد، اما گوینده برای آن دلیل کافی نیاورد؛ یا استدلالی قانع‌کننده به نظر برسد، ولی نتیجه آن نادرست باشد؛ بنابراین اگر کسی بار اثبات خود را ادا نکند، تنها نتیجه این است که فعلاً ادعای او پذیرفته نشود؛ نه این که نقیض آن ثابت شده باشد.

در نوشته‌های جدید درباره استدلال نیز بار اثبات با پیش‌فرض‌ها، مرحله گفت‌وگو و تعهدات قبلی دو طرف پیوند دارد و ممکن است در جریان مناظره جابه‌جا شود (Walton, ۲۰۱۴, pp. ۱-۱۸). این دیدگاه با منطق گفت‌وگویی طه عبدالرحمن سازگار است؛ زیرا او استدلال را فعالیتی مسئولانه میان دو طرف می‌داند، نه صرفاً کنار هم قرار دادن چند گزاره (عبدالرحمن، ۲۰۰۰، ص ۴۵-۶۲). در بحث دینی نیز «مدعی» همیشه مؤمن یا منکر نیست. مدعی کسی است که در آن مرحله، سخنی فراتر از امور پذیرفته شده نزد دو طرف مطرح می‌کند. مؤمن هنگام اثبات نبوت باید دلیل بیاورد و منتقد نیز هنگام نسبت دادن تناقض یا تحریف باید ادعا و شاهد خود را روشن کند.

۳-۱. حداقل دلیل لازم برای طرح اعتراض

راغب اصفهانی برهان را استوارترین دلیل می‌داند که مقتضی صدق است: «الْبُرْهَانُ أَوْ كَدُّ الْأَدْلَةِ، وَهُوَ الَّذِي يَقْتَضِي الصِّدْقَ أَبَدًا؛ برهان محکم‌ترین دلیل و همواره اقتضاکننده صدق است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۱). شیخ طوسی ذیل «هاتوا برهانکم؛ برهان خود را بیاورید»، برهان را دلیل منتهی به علم می‌خواند و آیه را دال بر نادرستی تقلید بی‌دلیل می‌شمارد (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۱؛ همان، ج ۷، ص ۲۳۹). با این حال، نباید از معترض خواست پیش از آنکه سخنش بررسی شود، بطلان دین را به‌طور کامل ثابت کند. او در مرحله نخست باید حداقل دلیل لازم برای طرح اعتراض را ارائه دهد؛ یعنی روشن کند اشکال او دقیق و مرتبط است، سخن مورد نقد را

درست نقل کرده و برای ادعای خود شاهی اولیه دارد.

این حداقل از پنج جزء تشکیل می‌شود: یکم، موضوع شبهه به‌روشنی مشخص باشد؛ دوم، سخن یا استدلال مورد اعتراض تحریف نشده باشد؛ سوم، شاهد ارائه شده به نتیجه ارتباط داشته باشد؛ چهارم، منبع نقل یا داده در حد متعارف قابل اعتماد باشد؛ پنجم، حلقه اصلی استدلال حذف نشده باشد. فراهم شدن این موارد به معنای اثبات نهایی شبهه نیست، اما پاسخ‌گور را ملزم می‌کند به جای درخواست کلی «دلیل بیشتر»، به اصل اشکال پاسخ دهد.

۲. مبانی قرآنی بار اثبات

۱-۲. دلیل برعهده صاحب ادعا

روشن‌ترین صورت قرآنی مسئولیت استدلالی در فرمان «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» بگو اگر راست می‌گویید، برهان خود را بیاورید» است (بقره، ۱۱۱). ساختار شرطی آیه نشان می‌دهد ادعای برخورداری انحصاری از نجات، با آرزو یا انتساب گروهی ثابت نمی‌شود. طبرسی توضیح می‌دهد که این مطالبه، فساد تقلید در دین را آشکار می‌کند؛ زیرا اگر تقلید بی‌دلیل کافی بود، الزام به آوردن برهان معنا نداشت (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰)؛ پس معیار الزام، «صاحب ادعا بودن» است، نه مسلمان یا نامسلمان بودن.

همین الگو در نقد چندخدایی تکرار می‌شود: «هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي» این کتاب کسانی است که با من‌اند و یادکرد پیشینیان نیز در دسترس است» (انبیاء، ۲۴) و سپس از مخالفان دلیل خواسته می‌شود. شیخ طوسی ذیل آیه، برهان را دلیل منتهی به علم می‌داند و مطالبه آن را رد پذیرش تقلیدی مدعا معرفی می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۳۹). در آیه «إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» آیا با خدا معبودی دیگر است؟ بگو برهانتان را بیاورید» (نمل، ۶۴)، سیاق آیات ابتدا نشانه‌های آفرینش، تدبیر، هدایت و رزق را یادآوری می‌کند و آن‌گاه از مدعی شریک، دلیل می‌خواهد. شیخ طوسی تصریح می‌کند هر امر حقی در دین باید دلالت و برهانی داشته باشد (همان، ج ۸، ص ۱۱۰).

آیه «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» یعنی از هر امتی گواهی بیرون می‌آوریم و می‌گوییم برهانتان را بیاورید» (قصص، ۷۵)، نسبت میان ادعا، شاهد و نتیجه را برجسته می‌سازد. از این آیات می‌توان قاعده‌ای عام به‌دست آورد: هر کس سخنی فراتر از امور بدیهی یا پذیرفته شده نزد دو طرف مطرح می‌کند، باید برای همان سخن دلیل بیاورد؛ بنابراین مدافع دین نمی‌تواند برای

مخاطبی که اصل وحی را نپذیرفته است، صرف انتساب یک سخن به وحی را دلیل نهایی بداند؛ همان‌گونه که منتقد نیز نمی‌تواند شهرت یک اتهام را دلیل درستی آن بگیرد.

۲-۲. تناسب دلیل با ادعا

قرآن فقط اصلِ مطالبه دلیل را نمی‌آموزد، بلکه نوع دلیل را نیز با نوع ادعا متناسب می‌سازد. درباره معبودهای ادعایی آمده است: «اَتُؤْنِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ؛ کتابی پیش از این یا اثری از دانش برای من بیاورید» (احقاف، ۴). طبرسی «اثارة من علم» را باقی‌مانده یا نشانه‌ای از دانشی معتبر می‌داند که بتواند ادعا را پشتیبانی کند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۳۶). هنگامی که دعوا ناظر به پیشینه و حیانی یا تاریخی است، شاهد نقلی و تاریخی مطالبه می‌شود و وقتی دعوا ناظر به تبیین واقعیت است، «علم» و دلیل عقل‌پذیر لازم است.

در برابر کسانی که مشیت الهی را دستاویزِ توجیه شرک می‌کردند، قرآن می‌پرسد: «هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا؛ آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟» و ادامه می‌دهد: «إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ؛ جز از گمان پیروی نمی‌کنید» (انعام، ۱۴۸)؛ بنابراین برای نسبت دادن یک تبیین به اراده الهی، حدسِ پسینی کفایت نمی‌کند. همچنین آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا؛ اگر فاسقی خبری برای شما آورد، بررسی و روشن‌سازی کنید» (حجرات: ۶)، بارِ راستی‌آزمایی را در خبرهای کم‌اعتبار بر دوش دریافت‌کننده و ناقل می‌گذارد؛ به‌ویژه آنجا که اقدام بر پایه خبر می‌تواند به آسیب و پشیمانی بینجامد.

پس نوع دلیل به موضوع ادعا بستگی دارد. در ادعای تناقض باید دو گزاره معتبر درباره موضوع، زمان و جهت واحد ارائه شود. در ادعای تاریخی، اصالت منبع، تقدم زمانی و پیوند علی یا متنی اهمیت دارد. در ادعای حدیثی، سند، متن، قرائن صدور و نسبت روایت با محکّمات بررسی می‌شود. در ادعای فلسفی نیز مقدمات و ارتباط آن‌ها با نتیجه باید روشن باشد؛ بنابراین نمی‌توان از همه معترضان یک نوع شاهد خواست؛ همان‌گونه که داده روان‌شناختی به‌تنهایی برای نفی منطقی خدا کافی نیست.

۲-۳. پرهیز از داوری بدون علم

آیه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن» (اسراء، ۳۶)، هم‌گوینده و هم‌شنونده را محدود می‌کند. طوسی ذیل آیه، نهی را شامل گفتار و پیروی بدون علم می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۷۶). آیه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا؛ گمان در برابر حق

هیچ سودی نمی‌رساند» (نجم، ۲۸)، جایگزینی ظنّ بی‌پشتوانه با حقیقت را نفی می‌کند. در سوی دیگر، قرآن شتاب در ردّ امرِ فهم نشده را نیز نکوهش می‌کند: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ؛ چیزی را تکذیب کردند که به دانش آن احاطه نیافته بودند» (یونس، ۳۹).

از مجموع این آیات می‌توان نتیجه گرفت که نباید سخن اثبات نشده را پذیرفت و نباید سخنی را که هنوز درست فهم نشده است، بی‌درنگ باطل دانست. پس «عرضه نشدن دلیل برای ادعا» با «وجود دلیل بر بطلان آن» یکی نیست. اگر مدعی دلیل کافی نیاورد، می‌توان پذیرش ادعا را به تعویق انداخت. اثبات نقیض آن به دلیل جداگانه نیاز دارد؛ مگر آن‌که دو گزاره نقیض منطقی باشند و تنها یکی از آن‌ها بتواند درست باشد.

۲-۴. مسئولیت مدافع و منتقد

قرآن پیش از آن‌که از مخالف برهان بخواهد، خود نیز استدلال می‌کند. در سوره نمل، پرسش‌های پی‌درپی درباره آفرینش آسمان و زمین، رویش گیاه، قرار دادن زمین، اجابت مضطر، هدایت در تاریکی‌ها و آغاز آفرینش، زمینه مطالبه برهان از مدعی شریک را فراهم می‌آورد (نمل، ۶۰-۶۴). در سوره طور نیز پرسش می‌شود: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ؛ آیا از هیچ آفریده شده‌اند یا خود آفریننده‌اند؟» (طور، ۳۵). این شیوه نشان می‌دهد مدافع توحید ابتدا قرائن و استدلال خود را عرضه می‌کند و سپس از تبیین رقیب دلیل می‌خواهد.

بنابراین نمی‌توان برای فرار از اثبات ادعاهای دینی فقط به فرمان «برهان خود را بیاورید» استناد کرد. کسی که اصل توحید، نبوت یا حجیت قرآن را برای مخاطبی ناآشنا با این مبانی مطرح می‌کند، باید دلیل اولیه را نیز ارائه دهد. پس از ارائه دلیل، اگر منتقد از تناقض یا نقض سخن گفت، باید شاهد خود را روشن کند. با طرح یک اعتراض مستند، مسئولیت پاسخ دوباره برعهده مدافع قرار می‌گیرد. این جابه‌جایی نشان می‌دهد در هر مرحله چه کسی باید اقدام بعدی را انجام دهد.

۳. مبانی حدیثی بار اثبات

۳-۱. گفتن «نمی‌دانم» در نبود علم

کلینی در «باب النهی عن القول بغیر علم» روایاتی گرد آورده است که مرز گفتار مسئولانه را نشان می‌دهد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا عَلِمْتُمْ فَقُولُوا، وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا: اللَّهُ أَعْلَمُ؛ آنچه را می‌دانید بگوئید و آنچه را نمی‌دانید بگوئید: خدا دانایتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲). در روایت

دیگری آمده است: «إِذَا سُئِلَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ عَمَّا لَا يَعْلَمُ فَلْيَقُلْ: لَا أَدْرِي؛ هرگاه از کسی درباره چیزی که نمی‌داند پرسیده شد، بگوید: نمی‌دانم» و افزوده می‌شود که پرسش‌گر نباید او را به سبب این پاسخ متهم کند (همان، ج ۱، ص ۴۳).

این روایات دو اثر روشی دارد. نخست، پاسخ‌گو موظف نیست برای حفظ اقتدار ظاهری، هر شبهه‌ای را فوراً پاسخ دهد؛ اقرار به ناآگاهی و ارجاع به متخصص، خود ادای یک مسئولیت معرفتی است. دوم، ناتوانی یک پاسخ‌گوی خاص، دلیل بطلان آموزه دینی نیست. اگر مخاطب از «فلان مبلغ پاسخ نداشت» نتیجه بگیرد «پس دین پاسخ ندارد»، میان توان فرد و صدق گزاره خلط کرده است. البته «نمی‌دانم» پایان مسئولیت نهادی نیست؛ مرکز علمی باید پرسش را ثبت، به متخصص ارجاع و نتیجه را بازگرداند.

۳-۲. بررسی انتساب روایات

در باب اختلاف حدیث، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةٌ وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورٌ، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ هر حقی حقیقتی و هر صوابی نوری دارد؛ آنچه با کتاب خدا سازگار است بگیرید و آنچه با آن مخالفت دارد واگذارید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹). در همان باب آمده است: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛ هر چیزی به کتاب و سنت بازگردانده می‌شود» (همان).

این دسته روایات مجوز ردّ ذوقی هر حدیث دشوار نیست؛ «مخالفت» باید پس از بررسی دلالت، جمع عرفی، محکم و متشابه و قرائن صدور احراز شود. دلالت روشی آنها در بحث حاضر آن است که صرف مشاهده یک متن در شبکه اجتماعی، بار انتساب آن به دین را ادا نمی‌کند. ناقل باید منبع را مشخص کند و پاسخ‌گو، پس از دسترسی به منبع، اعتبار سندی و دلالتی را بررسی نماید؛ بنابراین بار استناد اولیه برعهده ناقل است و بار ارزیابی تخصصی، پس از معرفی منبع، برعهده حدیث‌پژوه قرار می‌گیرد.

سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز همین تفاوت نقل و ارزیابی را برجسته می‌کند: «اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ؛ هنگامی که خبری می‌شنوید، آن را با فهم رعایت و ژرف‌نگری دریابید، نه صرفاً با فهم روایت و بازگویی» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۹۸). در شبهه‌پژوهی، تکثیر یک ادعا جای تحلیل آن را نمی‌گیرد و شمار بازنشرها، منبع مستقل به‌شمار نمی‌آید.

۳-۳. قاعده «دلیل برعهده مدعی است» و حدود آن

روایت مشهور «الْبَيِّنَةُ عَلَى مَنْ ادَّعَى، وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ؛ دَلِيلُ بَرْعَهْدِهِ مَدْعَى وَ سَوْگَنْدِ بَرْعَهْدِهِ كَسَى اسْتِ كِه عَلِيَه اَو ادعا شده» در منابع امامیه نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲۹). فقیهان آن را قاعده‌ای بنیادی در باب قضا دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۲). در دادرسی، این توزیع برای ختم خصومت، حفظ نظم و جلوگیری از الزام اشخاص به اثبات بی‌پایان برائت ضروری است.

از بخش نخست این روایت می‌توان یک قاعده عمومی را به مباحث فکری و اعتقادی نیز گسترش داد: کسی که ادعایی مطرح می‌کند باید برای آن دلیل بیاورد. در این کاربرد، «بینه» به معنای عام دلیل و شاهد است و می‌تواند عقلی، نقلی، تاریخی یا تجربی باشد، اما بخش دوم روایت که سوگند را برعهده منکر می‌گذارد، به سازوکار قضایی و پایان دادن به دعوا مربوط است و نمی‌توان آن را به مناظره اعتقادی تعمیم داد. در قضا، بینه و سوگند شرایط فقهی خاص دارند، درحالی‌که پژوهش اعتقادی در پی کشف حقیقت است. روایت نبوی «إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْإِيمَانِ... وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ؛ مَنْ مِیَان شَمَا بِرِیَایَه دَلیل‌ها و سوگندها داوری می‌کنم... و چه بسا برخی در بیان حجت از دیگری توانا تر باشند»، نیز هشدار می‌دهد که پیروزی در فرایند دادرسی لزوماً واقع را تغییر نمی‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۴). بنابراین این قاعده مؤید مسئولیت مدعی در ارائه دلیل است، اما همه احکام قضایی آن در بحث اعتقادی کاربرد ندارد.

۳-۴. تأثیر اهمیت موضوع بر میزان دلیل

در روایتی درباره خون، توزیع متعارف بینه تغییر می‌کند تا خون مسلمان پایمال نشود: «حَكَمَ فِي أَمْوَالِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعَى... وَحَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ... لِكَيْلَا يَبْطُلَ دَمُ أَمْرِي مُسْلِمٍ؛ در اموال، دلیل برعهده مدعی قرار داده شد... و در خون‌ها، در مورد خاص، برعهده کسی که علیه او ادعا شده؛ تا خون مسلمانی تباه نشود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۲). فارغ از تفصیل فقهی باب قسامه، این روایت نشان می‌دهد سیاست توزیع دلیل می‌تواند به خطر خطا و اهمیت حق مورد حمایت حساس باشد.

در فضای شبهه نیز معیار کفایت دلیل با پیامد ادعا تناسب دارد. برای آغاز یک گفت‌وگوی آموزشی، قرینه‌ای ساده ممکن است کافی باشد؛ اما برای انتشار عمومی اتهام تحریف یا تکفیر شخصی، باید آستانه استناد بالاتر رود. این تفاوت، حقیقت را نسبی نمی‌کند، بلکه سطح احتیاط

عملی را با هزینه خطا هماهنگ می‌سازد. هرچه آسیب احتمالی یک نسبت بیشتر باشد، مسئولیت راستی آزماییِ ناقل سنگین‌تر است.

۴. سه نوع مسئولیت در ارائه دلیل

۴-۱. بار تأسیسی و اثبات اصل ادعا

بار تأسیسی، مسئولیت اثبات اصل گزاره‌ای است که گوینده می‌خواهد وارد گفت‌وگو کند. اگر متکلم برای مخاطبی نامعتقد از وجود خدا، نبوت یا حجیت قرآن سخن می‌گوید، نمی‌تواند همان گزاره مورد اختلاف را مقدمه دلیل قرار دهد. او باید از مقدمات پذیرفته شده نزد دو طرف یا مقدماتی استفاده کند که جداگانه برای آن‌ها دلیل آورده است، اما اگر مخاطب اصل قرآن را پذیرفته و فقط درباره نسبت دو آیه می‌پرسد، اثبات دوباره و حیانی بودن قرآن لازم نیست؛ زیرا این موضوع در گفت‌وگوی حاضر پذیرفته شده است. این بار با تبلیغ نیز پیوند دارد. کسی که گزاره‌ای را فعالانه به دیگری پیشنهاد می‌کند، مسئول توضیح معنای آن، ارائه دلیل متناسب و تعیین حدود ادعاست. عبارت «تو خلافش را ثابت کن» برای اثبات ابتدایی یک آموزه کافی نیست. در نتیجه، قاعده بار اثبات به سود دین‌دار یا بی‌دین طراحی نشده است؛ به سود شفافیت طراحی شده و در هر مرحله برعهده صاحب ادعای افزوده قرار می‌گیرد.

۴-۲. بار اعتراضی و طرح اشکال

پس از ارائه یک آموزه و دلیل آن، منتقد باید اشکال خود را روشن کند تا پاسخ‌گو ملزم به پاسخ تفصیلی شود. او لازم نیست بطلان کل دین را ثابت کند. کافی است سخن مورد نقد را درست نقل کند، نوع اشکال را مشخص سازد، شاهد اولیه بیاورد و ارتباط شاهد با نتیجه را توضیح دهد. جمله «این دو آیه متناقض‌اند» تا زمانی که دو گزاره و وجه تناقض آن‌ها مشخص نشده باشد، مسئله روشنی برای بررسی ایجاد نمی‌کند.

بار اعتراضی در اتهام‌ها سنگین‌تر است. نسبت اقتباس تاریخی، جعل حدیث، تحریف متن یا انگیزه‌خوانی درباره یک عالم، با امکان ذهنی و شباهت سطحی اثبات نمی‌شود. مدعی باید دست‌کم منبع، تاریخ، مسیر احتمالی انتقال و مشابهت معنادار را نشان دهد. این مطالبه به معنای مصون‌سازی دین از نقد نیست، بلکه مانع آن است که پاسخ‌گو مکلف به ابطال بی‌نهایت احتمال بی‌ضابطه شود.

۴-۳. بار تبیینی و مسئولیت پاسخ‌گو

وقتی اعتراض از آستانه حداقلی گذشت، مسئولیت به پاسخ‌گو منتقل می‌شود. او باید هسته اشکال را بازگو کند، مبانی دخیل را جدا سازد، دلیل مناسب ارائه دهد و روشن کند چه بخش‌هایی حل شده و چه بخش‌هایی نیازمند تحقیق است. قرآن از یک‌سو مردم را به سؤال از اهل ذکر در صورت نادانی فرامی‌خواند: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید» (نحل، ۴۳) و از سوی دیگر، کتمانِ بینات و هدایت را نکوهش می‌کند (بقره، ۱۵۹). از جمع این دو، در حدّ دلالت عقلایی می‌توان مسئولیتِ مراجعه جاهل و تبیین عالمِ قادر را فهمید.

بار تبیینی مطلق نیست. پاسخ‌گوی فاقد تخصص باید «نمی‌دانم» بگوید و ارجاع دهد؛ مسئولیت او در این حالت، مدیریت درست پرسش است. همچنین، اگر ادعا مبهم یا منبع آن نامشخص است، می‌تواند پیش از پاسخ تفصیلی تقاضای تحریر و استناد کند، اما پس از دریافت این اطلاعات، تکرار جمله «مدعی باید دلیل بیاورد» انتقال ناموجه بار و ترک پاسخ است.

۷۱

۴-۴. انتقال مسئولیت میان طرفین

مسئولیت ارائه دلیل در طول گفت‌وگو جابه‌جا می‌شود و همیشه برعهده یک طرف ثابت نمی‌ماند. ابتدا مدافع برای گزاره دینی دلیل می‌آورد. سپس منتقد با ارائه شاهد نقض یا نقد یکی از مقدمات، اشکال خود را بیان می‌کند. مدافع باید به همان اشکال پاسخ دهد یا در ادعای خود تجدیدنظر کند. اگر پاسخ او توضیح یا تفکیک معتبری داشت، منتقد برای ادامه بحث باید نشان دهد کدام بخش اشکال همچنان باقی است. این روند تا رسیدن به توافق، تعلیق داوری یا روشن شدن محل اختلاف ادامه پیدا می‌کند.

برای جلوگیری از جابه‌جایی بی‌ضابطه مسئولیت، سه نکته باید رعایت شود. نخست، موضوع بحث بدون اعلام تغییر نکند. دوم، هیچ طرفی ملزم به اثبات ادعایی گسترده‌تر از موضوع مطرح‌شده نباشد. سوم، هر طرف روشن کند کدام مقدمات را پذیرفته و کدام را محل اختلاف می‌داند. بی‌توجهی به این موارد، بحث را به مطالبه بی‌پایان دلیل و طرح پی‌درپی اشکال‌های تازه تبدیل می‌کند.

۴-۵. مسئولیت رسانه در نقل درست

سه مسئولیت یادشده به محتوای استدلال مربوط است. رسانه نیز مسئولیت دیگری دارد: هر کس



ادعا، پرسش یا پاسخ را تولید، اجرا، تدوین یا بازنشر می‌کند، باید آن را به‌گونه‌ای ارائه دهد که مخاطب بتواند ارزیابی‌اش کند. این «مسئولیت بازنمایی درست» دست‌کم شامل چهار کار است: معرفی منبعی که بتوان به آن دسترسی یافت، حفظ بخش‌های مؤثرِ سیاق، جدا کردن خبر از تفسیر و اتهام و فراهم کردن امکان اصلاح آشکار خطا. گزارش «اختلال اطلاعاتی» نیز میان اطلاعات نادرستِ بی‌قصد، اطلاعات گمراه‌کننده عمدی و اطلاعات درستِ زیان‌بار به‌سبب نحوه استفاده یا سیاق تمایز می‌گذارد. این تمایز نشان می‌دهد درست بودن یک قطعه کوتاه، به‌تنهایی امانت‌داری رسانه را تضمین نمی‌کند (Derakhshan & Wardle, ۲۰۱۷, pp. ۲۰-۲۲).

این مسئولیت به‌معنای آن نیست که مجری باید همه ادعاهای مهمان را اثبات کند. او باید روشن کند که سخن، نقل مستقیم است یا برداشت شخصی، منبع آن چیست؟، آیا طرف غایب فرصت پاسخ دارد؟ و آیا برش کوتاه معنایی فراتر از متن کامل القا می‌کند؟ مجری با درخواست منبع و روشن کردن ادعا از تبدیل برنامه به محل بازنشر اتهام جلوگیری می‌کند. در فضای برخاسته صفحه‌ای که برای یک محتوای احتمالی، عنوانی قطعی می‌نویسد، خود ادعای تازه‌ای مطرح کرده و باید برای آن دلیل بیاورد.

۵. الگوی پنج مرحله‌ای پاسخ‌گویی

بر پایه مبانی پیش‌گفته، فرایند زیر برای مراکز پاسخ‌گویی، کلاس‌های اعتقادی و محیط‌های رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود.

۵-۱. مرحله نخست روشن‌سازی ادعا

پاسخ‌گو ابتدا سخن مخاطب را در یک یا چند جمله کوتاه بازنویسی می‌کند و از او می‌پرسد آیا منظورش همین است. معنای واژه‌های مبهم، محدوده زمانی، موضوع و منبع باید روشن شود. برای نمونه، جمله «اسلام با آزادی مخالف است» بدون تعیین معنای اسلام، نوع آزادی و معیار مخالفت، قابل بررسی دقیق نیست. روشن کردن محل اختلاف مانع می‌شود پاسخ‌گو به سخنی پاسخ دهد که مخاطب نگفته است یا پیش‌فرض اتهامی جمله نادیده بماند.

۵-۲. مرحله دوم تشخیص نوع سخن

سخن باید در یکی از گونه‌های اصلی قرار گیرد: پرسش تفهیمی، درخواست دلیل برای آموزه، نقد

یک استدلال، ادعای تعارض، نسبت متنی یا تاریخی و اتهام اخلاقی یا اجتماعی. ممکن است یک پیام چندگونه را جمع کرده باشد؛ در این صورت باید اجزا جدا شود. لحن تند به تنهایی سخن را «شبهه» نمی‌کند و لحن مؤدب نیز ادعای پنهان را از بار اثبات معاف نمی‌سازد.

۳-۵. مرحله سوم تعیین مسئول ارائه دلیل

در این مرحله معلوم می‌شود اقدام بعدی برعهده چه کسی است. در پرسش برای فهم مطلب، پاسخ‌گو باید توضیح دهد. در درخواست دلیل برای اصل یک آموزه، مطرح‌کننده آموزه باید دلیل بیاورد. در نسبت دادن جمله‌ای به قرآن یا حدیث، ناقل باید نشانی اولیه را ارائه کند و پس از آن، متخصص منبع و دلالت را بررسی کند. در ادعای تناقض نیز معترض باید دو گزاره و وجه ناسازگاری آن‌ها را نشان دهد. این مسئولیت باید با جمله‌ای روشن به مخاطب اعلام شود؛ برای مثال: «برای بررسی این نسبت، لطفاً منبع روایت را بفرستید؛ پس از آن اعتبار و دلالت آن را بررسی می‌کنم».

۷۳



۴-۵. مرحله چهارم بررسی و ارزیابی دلیل

دلیل ارائه شده با پنج پرسش بررسی می‌شود: آیا منبع اصلی و قابل دسترسی است؟ آیا نقل کامل و هماهنگ با سیاق است؟ آیا شاهد به همان ادعا ارتباط دارد؟ آیا نتیجه واقعاً از شاهد به دست می‌آید؟ آیا مقدار شاهد با گستره نتیجه متناسب است؟ این بررسی ممکن است نشان دهد شبهه از نقلی نادرست پدید آمده است یا برعکس، اشکالی جدی وجود دارد که به پاسخ تخصصی نیاز دارد. نتیجه را می‌توان در پنج سطح ثبت کرد: «بی‌منبع»، «نامرتب»، «دارای قرینه اولیه»، «قابل توجه» یا «قوی». تقسیم شتابزده همه ادعاها به «پوچ» و «قطعی»، دقت بررسی را کاهش می‌دهد.

۵-۵. مرحله پنجم پاسخ متناسب و مشخص کردن اختلاف باقی‌مانده

پاسخ باید با خود اشکال متناسب باشد. اگر مشکل در انتساب یک سخن است، پاسخ باید سند را بررسی کند. اگر اختلاف بر سر معناست، توضیح تفسیری لازم است. اگر ارتباط مقدمات با نتیجه مخدوش است، پاسخ منطقی نیاز است. پاسخ‌گو همچنین باید میان «دلیل شبهه» و «علت طرح شبهه» فرق بگذارد. دلیل شبهه همان مقدمه یا شاهی است که برای نتیجه بیان می‌شود، اما علت طرح آن ممکن است سوگ، احساس تبعیض، تعارض هویتی یا تجربه رفتار نادرست دینداران

باشد. در حالت دوم، پاسخ نظری به تنهایی کافی نیست و باید با شنیدن مسئله، همدلی و در صورت امکان رفع علت همراه شود.

در پایان، پاسخ‌گو باید مشخص کند کدام ادعا بررسی و پاسخ داده شده و کدام بخش همچنان باز است. این جمع‌بندی مانع می‌شود حل یک بخش، به اشتباه حل همه مسئله شمرده شود یا باقی ماندن یک نکته، شکست کامل پاسخ تلقی گردد.

جدول ۱. تخصیص اولیه مسئولیت را در گونه‌های رایج

نوع گفتار	مسئول اقدام بعدی	حداقل لازم	اقدام پاسخ‌گو
پرسش تفهیمی	پاسخ‌گوی آگاه	بیان روشن مقصود پرسش	توضیح یا ارجاع صادقانه
درخواست دلیل برای آموزه دینی	مطرح‌کننده آموزه	بیان دقیق و دلیل متناسب	اقامه دلیل و اثبات منطقی ادعا برپایه مقدمات پذیرفته‌شده
نسبت یک متن به دین	ناقل، سپس متخصص	نشانی منبع و متن قابل بازیابی	اعتبارسنجی سند و دلالت
ادعای تناقض	معارض، سپس مدافع	دو گزاره معتبر و وجه ناسازگاری	بررسی وحدت موضوع، زمان و جهت
اتهام تاریخی یا اخلاقی	اتهام‌زننده	منبع معتبر و پیوند استنتاجی	ارزیابی منبع و پاسخ محدود به ادعا
نقد پاسخ ارائه شده	منتقد	تعیین بخش حل نشده و دلیل آن	پاسخ تکمیلی یا پذیرش اصلاح

۶. اجرای الگو در رسانه

رسانه فقط وسیله انتقال پاسخ نیست. سرعت انتشار، برجسته‌سازی بعضی بخش‌ها، تکرار و تنوع مخاطبان بر نحوه ارائه دلیل اثر می‌گذارد. در یک برنامه زنده دینی، ممکن است تماس کوتاهی هم پرسش صادقانه داشته باشد، هم نقلی بی‌منبع و هم نتیجه‌ای اتهامی. همچنین، پاسخ ده دقیقه‌ای ممکن است بعداً به قطعه‌ای سی‌ثانیه‌ای تبدیل شود و شرط یا توضیح اصلی آن حذف گردد؛

بنابراین در هر مرحله از الگوی پنج‌گانه باید نتیجه‌ای روشن و قابل ثبت تولید شود.

در مرحله «روشن‌سازی ادعا»، متن دقیق شبهه، منبع اولیه، زمان انتشار و نسخه کامل قطعه ثبت می‌شود. در مرحله «تشخیص نوع سخن»، علاوه بر نوع ادعا، نقش رسانه نیز مشخص می‌شود: آیا رسانه تولیدکننده نخستین، میزبان، ناقل منتقد یا پاسخ‌گوست؟ در مرحله «تعیین مسئول ارائه دلیل»، مجری به زبان ساده اعلام می‌کند کدام بخش به منبع طرح‌کننده و کدام بخش به توضیح کارشناس نیاز دارد. در مرحله «بررسی و ارزیابی دلیل»، اتفاق رصد نسخه اصلی، ترجمه، تقطیع و سابقه بازنشر را پیش از پخش پاسخ بررسی می‌کند. در مرحله «پاسخ»، محتوا در سه سطح آماده می‌شود: پاسخ کوتاه برای برنامه یا شبکه اجتماعی، توضیح کامل‌تر برای مخاطب پیگیر و فهرست منابع برای راستی‌آزمایی. این روش، پاسخ را ساده می‌کند بی‌آن‌که آن را سطحی سازد.

در برنامه رسانه‌ای، مجری سه وظیفه روشی دارد: جلوگیری از انباشتن چند ادعا پیش از پاسخ، بازگرداندن گفت‌وگو به محل نزاع و جمع‌بندی این‌که کدام بار ادا شده است. کارشناس نیز باید نخست «هسته یک جمله‌ای پاسخ» را بگوید، سپس دلیل اصلی و سرانجام منبع را معرفی کند. در محتوای تولیدی مانند مستند تحلیلی، موشن‌گرافیک، اینفوگرافیک یا پادکست، فرصت بیشتری برای نمایش زنجیره استناد وجود دارد، اما تدوین نباید قرینه مخالف را پنهان یا سخن طرف دیگر را به ضعیف‌ترین تقریر تقلیل دهد. رویکرد تقریبی نیز اقتضا می‌کند نقد مدعا از بی‌احترامی به مقدسات و هویت مذهبی مخاطبان اهل سنت جدا بماند؛ زیرا تحریک هویتی، فهم دلیل را کاهش و منازعه را جایگزین شبهه‌پژوهی می‌کند.

در رسانه چندسکویی، یعنی مجموعه‌ای از تلویزیون، وبسایت و شبکه‌های اجتماعی، پایان پخش پایان مسئولیت نیست. پس از انتشار باید بررسی شود که آیا عنوان یا تصویر بندانگشتی معنای پاسخ را تغییر داده است، کاربران نکته اصلی را فهمیده‌اند و خطای منبعی آشکار شده است یا نه. اگر خطایی رخ داده باشد، اصلاح آن باید در همان رسانه و با میزان دیده شدن متناسب منتشر شود. این روند، رصد، پژوهش، پاسخ و اصلاح را به هم پیوند می‌دهد.

جدول ۲. خروجی لازم هر مرحله در اجرای رسانه‌ای

مرحله	پرسش کنترلی رسانه	خروجی قابل ثبت
روشن‌سازی ادعا	متن و منبع اصلی چیست؟	پرونده شبهه، نسخه کامل و نشانی انتشار
تشخیص نوع سخن	پرسش، نقد، خبر یا اتهام است؟	ثبت نوع سخن و نقش افراد
تعیین مسئول ارائه دلیل	گام بعدی بر عهده چه کسی است؟	ثبت درخواست منبع یا تعهد پاسخ‌گو
بررسی و ارزیابی دلیل	نقل و استنتاج تا چه حد معتبر است؟	گزارش کوتاه درباره اعتبار منبع، سیاق و ارتباط دلیل با نتیجه
پاسخ متناسب	مخاطب در هر سکو چه مقدار توضیح نیاز دارد؟	پاسخ کوتاه، توضیح کامل‌تر و فهرست منابع

۷. نمونه‌های کاربرد الگو

۷-۱. درخواست دلیل برای وجود خدا

اگر مخاطب می‌گوید «برای وجود خدا دلیل بیاورید»، از مطرح‌کننده یک گزاره بنیادین دلیل می‌خواهد. پاسخ درست این نیست که به او گفته شود «تو نبودن خدا را ثابت کن». متکلم باید استدلال خود را از مقدماتی آغاز کند که دو طرف می‌توانند درباره آن‌ها گفت‌وگو کنند. پس از بیان استدلال، اگر مخاطب یکی از مقدمات یا ارتباط آن با نتیجه را نقد کرد، باید محل دقیق اشکال را نشان دهد. با روشن شدن این اشکال، مسئولیت پاسخ دوباره برعهده متکلم قرار می‌گیرد.

۷-۲. ادعای تناقض میان دو آیه

جمله «قرآن تناقض دارد» بیش از حد کلی است. معترض باید دو آیه، معنای مورد نظر و دلیل جمع‌ناپذیری آن‌ها را معرفی کند. اگر یکی از نقل‌ها نادرست باشد یا دو آیه درباره موضوع‌های متفاوت سخن بگویند، حداقل لازم برای طرح اعتراض فراهم نشده است، اما اگر هر دو گزاره ظاهراً درباره یک موضوع و در شرایط یکسان، حکم‌های ناسازگار بدهند، مفسر پاسخ‌گو باید

سیاق، تخصیص، تقیید، تفاوت مراتب یا تغییر موضوع را بررسی کند. نمی‌توان از معترض خواست بطلان کل قرآن را ثابت کند؛ زیرا ادعای او فقط ناظر به همان دو آیه است.

۷-۳. نسبت دادن یک روایت به امام (علیه السلام)

در فضای مجازی جمله‌ای با عنوان «امام صادق (علیه السلام) فرموده است» منتشر می‌شود. کسی که از آن جمله برای نقد دین استفاده می‌کند باید حداقل منبع قابل بازبینی ارائه دهد. پس از ارائه منبع، نمی‌توان از مخاطب عمومی انتظار داشت دانش رجال و درایه داشته باشد؛ بار بررسی سند، نسخه، متن، سیاق و تعارض ظاهری با قرآن برعهده حدیث‌پژوه است. اگر منبع یافت نشود، نتیجه فقط این است که انتساب فعلاً ثابت نیست؛ نمی‌توان با قطعیت گفت جمله هرگز در هیچ منبعی وجود نداشته، مگر جست‌وجویی متناسب با این ادعای گسترده انجام شده باشد.

۷-۴. بررسی استدلالی مسئله شر

بیان رنج و اندوه برای آغاز گفت‌وگو نیازمند اثبات نیست و پاسخ‌گو باید آن را بشنود، اما اگر کسی از وجود شر نتیجه بگیرد که صفات خدا با یکدیگر ناسازگارند، باید دلیل این نتیجه را روشن کند. این استدلال معمولاً بر سه گزاره تکیه دارد: خدا قادر و خیرخواه است، شر در جهان وجود دارد و هر موجود قادر و خیرخواه باید همه شرور را فوراً و بدون هیچ مصلحت برتری برطرف کند. با بیان این مقدمات، دلیل شبهه روشن می‌شود و می‌توان آن را بررسی کرد.

مدافع باید توضیح دهد که آیا مقدمه سوم ضروری است یا نه. برای مثال، اختیار انسان، وجود قوانین پایدار علی و امکان تحقق خیرهای برتر می‌تواند اطلاق این مقدمه را محل بحث قرار دهد؛ زیرا خیرخواهی لزوماً به معنای حذف فوری هر رنج نیست. سپس باید روشن شود که پرسش ناظر به تناقض منطقی است، شواهد تجربی علیه وجود خدا را مطرح می‌کند یا از تجربه شخصی رنج برخاسته است. در دو حالت نخست، پاسخ نظری و استدلالی لازم است. در حالت سوم، پاسخ‌گو باید پیش از استدلال، زمینه روان‌شناختی یا اجتماعی پرسش و تجربه مخاطب را بفهمد. همدلی جای تحلیل استدلال را نمی‌گیرد و تحلیل استدلال نیز به‌تنهایی علت وجودی شبهه را برطرف نمی‌کند.

۷-۵. ادعای اقتباس تاریخی

شبهات دو روایت تاریخی، به تنهایی جهت اقتباس را اثبات نمی‌کند. مدعی اقتباس باید تقدم متن مبدأ، امکان دسترسی، مشابهت‌های اختصاصی و نبود تبیین رقیب قوی‌تر را تا حد اولیه نشان دهد. اگر این قرائن عرضه شد، پژوهشگر دینی موظف است داده‌ها را بررسی کند و نمی‌تواند صرف تقدس متن را پاسخ بداند. اگر عرضه نشد، توقف در پذیرش اتهام موجه است، اما از همان توقف نمی‌توان استقلال تاریخی متن را به‌طور نهایی اثبات کرد. هر نتیجه، بار مستقل خود را دارد.

۸. آسیب‌ها و محدودیت‌های الگو

۸-۱. استفاده از بار اثبات برای خاموش کردن پرسش‌گر

نخستین آسیب آن است که هر پرسش، «ادعا» شمرده شود و از پرسش‌گر دلیل بخواهند. پرسش واقعی، خود درخواست دلیل و توضیح است. حتی شبهه‌ای که از نظر فنی ضعیف بیان شده، ممکن است از اضطراب، تجربه تبعیض یا اطلاعات ناقص برخاسته باشد. پاسخ‌گو باید به مخاطب کمک کند مسئله خود را روشن بیان کند؛ زیرا ناآشنایی با اصطلاحات نباید او را از حق فهم محروم سازد. مسئولیت ارائه شاهد زمانی برعهده او قرار می‌گیرد که پس از این توضیح، ادعایی مشخص علیه یک گزاره مطرح کند.

۸-۲. اشتباه گرفتن اثبات نشدن با اثبات نبودن

اگر مدعی برای وجود یک گزارش تاریخی شاهد نیاورد، گزارش ثابت نمی‌شود، اما نبودن گزارش نیز فقط هنگامی اثبات می‌شود که انتظار معقولی برای یافتن آن وجود داشته و جست‌وجوی کافی انجام شده باشد. این تمایز در شبهات تاریخی و علمی اهمیت ویژه دارد. عبارت «هیچ دلیلی وجود ندارد» ادعایی بسیار گسترده‌تر از «در منابع بررسی شده دلیلی نیافتم» است و بار سنگین‌تری دارد. ادب قرآنی توقف در نادانسته، صورت دوم را ترجیح می‌دهد.

۸-۳. مطالبه بی‌پایان دلیل

گاهی پس از ارائه هر دلیل، بدون نشان دادن نقص آن، دلیل تازه‌ای خواسته می‌شود، یا معیار پذیرش تغییر می‌کند. این کار مطالبه دلیل را بی‌پایان می‌سازد. منتقد پس از دریافت پاسخ باید دقیقاً مشخص کند کدام بخش هنوز حل نشده است. مدافع نیز نباید معیار را چنان بالا ببرد که

هیچ نقدی قابل بررسی نباشد. برای نمونه، نمی‌توان پیش از بررسی یک قرینه معتبر، اثبات قطعی همه مقدمات تاریخی را از منتقد خواست.

۸-۴. تعمیم نادرست معیارهای قضایی

قاعده قضایی برای صدور حکم و پایان دعوا طراحی شده و با اصل برائت، سوگند، شهادت و صلاحیت قاضی پیوند دارد. گفت‌وگوی کلامی همیشه برنده و بازنده حقوقی نمی‌خواهد؛ گاه نتیجه درست «نمی‌دانیم» یا «داده فعلی ناکافی است» است؛ بنابراین بهره‌گیری از قاعده «دلیل برعهده مدعی است» باید در سطح منطق عقلایی مسئولیت صورت گیرد، نه با انتقال همه جزئیات بینه فقهی به پژوهش تاریخی یا فلسفی.

۸-۵. توجه به علت‌های روان‌شناختی و اجتماعی شبیهه

در بررسی هر شبیهه باید «دلیل شبیهه» از «علت طرح شبیهه» جدا شود. دلیل شبیهه مجموعه مقدمات و شواهدی است که برای اثبات یک نتیجه بیان می‌شود و باید از نظر منطقی ارزیابی گردد. علت طرح شبیهه، زمینه‌ای است که شخص را به پرسش یا تردید رسانده است؛ مانند سوگ، احساس بی‌عدالتی، فشار اجتماعی، تعارض هویتی یا مشاهده رفتار نادرست دینداران. ممکن است استدلال مطرح‌شده ضعیف باشد، اما علت واقعی تردید همچنان باقی بماند.

اگر شبیهه بیشتر از علت‌های روان‌شناختی یا اجتماعی پدید آمده باشد، پاسخ نظری به تنهایی مؤثر نیست. پاسخ‌گو باید ابتدا تجربه و مسئله مخاطب را بشنود، از داوری شتاب‌زده پرهیزد و در صورت امکان برای کاهش یا رفع علت زمینه‌ای کمک کند. پس از آن، اگر مخاطب ادعایی استدلالی نیز مطرح کرده باشد، دلیل آن جداگانه بررسی می‌شود. برعکس، در شبیهه‌ای که بر یک استدلال مشخص استوار است، همدلی جای تحلیل علمی را نمی‌گیرد. تشخیص درست این دو سطح، نوع و ترتیب پاسخ را تعیین می‌کند.

۸-۶. محدودیت پژوهش و نیاز به ارزیابی تجربی

الگوی پیشنهادی از تحلیل منابع و تنظیم یک چارچوب نظری به‌دست آمده و هنوز به‌صورت کمی در محیط واقعی پاسخ‌گویی آزموده نشده است. برای سنجش آن می‌توان مجموعه‌ای از پرسش‌های واقعی را پیش و پس از آموزش الگو بررسی کرد و شاخص‌هایی مانند زمان رسیدن به محل اختلاف، تعداد رفت‌و برگشت‌های نامرتبط، رضایت پرسش‌گر، میزان ارجاع درست به

متخصص و تغییر در بیان ادعا را سنجید. محتوای جدول تعیین مسئولیت نیز می‌تواند به داوری مفسران، متکلمان، حدیث‌پژوهان و کارشناسان ارتباطات گذاشته شود. این ارزیابی برای تبدیل الگوی نظری به دستورالعملی قابل استفاده در سازمان ضروری است.

نتیجه

در منطق قرآن، هر کس ادعایی فراتر از امور بدیهی یا پذیرفته شده نزد دو طرف مطرح می‌کند، باید برای همان ادعا دلیل بیاورد. این مسئولیت به دینی یا غیردینی بودن گوینده بستگی ندارد. در پاسخ‌گویی به شبهات سه نوع مسئولیت وجود دارد: بار تأسیسی برای اثبات اصل آموزه، بار اعتراضی برای بیان روشن نقد و بار تبیینی برای پاسخ به اعتراضی که حداقل شواهد لازم را دارد. پرسشی که فقط برای فهم مطلب مطرح می‌شود، به ارائه شاهد نیاز ندارد، اما اتهام تاریخی، متنی یا اخلاقی، چون ادعایی مشخص و زیان‌بار است، به منبع معتبر و توضیح روشن ارتباط منبع با نتیجه نیاز دارد.

حداقل لازم برای طرح اعتراض شامل تعیین دقیق موضوع، نقل درست سخن، ارتباط شاهد با ادعا، اعتبار اولیه منبع و روشن بودن حلقه اصلی استدلال است. فراهم شدن این موارد، بطلان دین را ثابت نمی‌کند، اما متخصص را ملزم می‌سازد به اشکال پاسخ تفصیلی دهد. اگر کسی برای ادعای خود دلیل کافی نیاورد، می‌توان آن ادعا را فعلاً نپذیرفت. برای اثبات نادرستی ادعا یا درستی نقیض آن، جز در موارد دوگانه منطقی، دلیل جداگانه لازم است. روایات مربوط به توقف در نادانسته و سنجش خبر، بر صداقت علمی و ارجاع پرسش به متخصص تأکید دارند. قاعده «دلیل برعهده مدعی است» نیز مسئولیت مدعی در ارائه دلیل را تأیید می‌کند، اما بخش‌های ویژه دادرسی، مانند سوگند، به گفت‌وگوی اعتقادی تعمیم نمی‌یابد. در رسانه، علاوه بر سه مسئولیت محتوایی، تولیدکننده، مجری، تدوینگر و بازنشرکننده وظیفه دارند سخن را درست بازنمایی کنند. حفظ منبع، سیاق و حدود ادعا، جدا کردن خبر از تفسیر و اصلاح آشکار خطا از اجزای این مسئولیت است.

پاسخ‌گو باید میان دلیل شبهه و علت طرح آن نیز فرق بگذارد. دلیل شبهه به ارزیابی علمی نیاز دارد، اما علت‌های روان‌شناختی، اجتماعی یا وجودی ممکن است با شنیدن، همدلی و رفع زمینه بهتر پاسخ داده شوند. تشخیص این دو سطح، روش پاسخ‌گویی را تغییر می‌دهد.

الگوی پنج مرحله‌ای «روشن‌سازی ادعا، تشخیص نوع سخن، تعیین مسئول ارائه دلیل، بررسی و ارزیابی دلیل و پاسخ متناسب» می‌تواند مبنای مشترکی برای اتاق رصد، برنامه زنده و تولید محتوا

در چند رسانه باشد. پاسخ نیز بهتر است در سه سطح ارائه شود: پاسخ کوتاه، توضیح کامل‌تر و منبع قابل دسترسی. این شیوه هم حق پرسش‌گری را حفظ می‌کند و هم با محدودیت‌های رسانه سازگار است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۳. افقی، داود؛ برنجکار، رضا، «بررسی کاربست شاخصه‌های پاسخ‌گویی موفق در پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی»، تحقیقات کلامی، ۱۴۰۱، ۱۰ (۳۷)، ص ۸۵-۱۰۲.
۴. برنجکار، رضا، «روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی»، مطالعات شبهه‌پژوهی، ۱۴۰۱، ۱ (۱)، ص ۲۹-۵.
۵. بهمنی، فرانک؛ عزیزاده، علی، «روش باورپذیری شبهات در رسانه‌ها و راهبردهای مقابله‌ای». مطالعات شبهه‌پژوهی، ۱۴۰۴، ۲ (۵)، ص ۲۰۱-۲۲۸.
۶. پورنوروز، محمد؛ جلالی اصل، روح‌الله؛ هاشمی جزی، سیدحسن، «ارائه الگویی برای کنش هوشمندانه در مواجهه با پرسش و شبهه»، مطالعات شبهه‌پژوهی، ۱۴۰۴، ۳ (۷)، ص ۷۷-۱۰۴.
۷. تهانوی، محمدعلی، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقیق علی دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق-بیروت: دارالقلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۰. شریف رضی، محمدبن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۱. شفیعی سروستانی، مریم، «مرام‌نامه اخلاقی برای پاسخ‌گویی به شبهات دینی در رسانه ملی»، دین و رسانه، ۱۳۹۴، شماره ۸، ص ۴۶-۵۹.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۴. طه عبدالرحمن، فی أصول الحوار وتجديد علم الکلام، چ ۲، بیروت - دارالبیضاء: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۰م.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۱۶. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴، تهران: دارالکتب

الإسلامية، ١٠٤٧ق.

١٨. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی، ١٤١٩ق.

19. Walton, Douglas, Burden of Proof, Presumption and Argumentation, Cambridge: Cambridge University Press, 2014.

20. Wardle, Claire & Hossein Derakhshan, Information Disorder: Toward an Interdisciplinary Framework for Research and Policy Making, Strasbourg: Council of Europe, 2017.

